رویش روان شناسی، سال۱۲، شماره۱، شماره پیاپی ۸۲، فروردین ۱۴۰۲
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),12(1), 2023

مقایسهٔ پاسخ‌های رفتاری به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین[1*]

Comparing the behavioral responses in face of spouse's emotion expression between women with high and low level of emotional intimacy

نگار سادات میرکاظم
کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
آسیه شریعتمدار (نویسنده مسئول)
استادیار گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
کیومرث فرحبخش
دانشیار گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

Negar Sadat Mirkazem
M.A. in Family Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.
Asie Shariatmadar*
Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.
s_shariatmadar@yahoo.com
Kiomars Farahbakhsh
Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

چکیده

نحوهٔ پاسخگویی نسبت به ابراز هیجانات همسر از جمله عواملی است که می‌تواند در شکل‌گیری صمیمیت زناشویی نقش داشته باشد. هدف مطالعهٔ حاضر، مقایسهٔ پاسخ‌های رفتاری نسبت به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین بود. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شد. نمونهٔ موردپژوهش شامل ۲۰ نفر از زنان متأهل شهر تهران در سال ۱۴۰۰ بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند و در نظر داشتن اصل اشباع انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با روش هفت‌مرحله‌ای پدیدارشناختی کلایزی تجزیه‌وتحلیل شدند. در نتیجهٔ تحلیل داده‌ها شش مضمون اصلی از هر گروه استخراج شد. مضامین اصلی به‌دست‌آمده از گروه با صمیمیت عاطفی بالا شامل «همراهی، توجه به هیجان و پذیرش آن»، «همراهی در پردازش شناختی هیجان»، «پاسخ‌دهی کنش‌گرانه»، «زمان‌بندی در پاسخ‌دهی به هیجان همسر»، «اقدامات اصلاحی» و «مدیریت محرک‌های محیطی» و مضامین اصلی حاصل از گروه با صمیمیت عاطفی پایین دربرگیرندهٔ «عدم همراهی، فقدان توجه به هیجان و عدم پذیرش آن»، «عقلانی‌سازی»، «پاسخ‌دهی هیجانی واکنشی»، «شتاب‌زدگی در پاسخ‌دهی»، «اقدامات تلافی‌جویانه» و «پاسخ‌دهی گزینشی» بودند. یافته‌ها نشان داد که بین پاسخ‌های رفتاری دو گروه در چهار محور انعطاف‌پذیری، سازنده بودن، همراهی کردن و عاملیت تفاوت‌هایی وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: *خودافشایی، رفتار، زوجین، صمیمیت زناشویی، مطالعهٔ کیفی.*

Abstract

The way the spouse's emotional expression is responded to is one of the factors playing a role in the formation of marital intimacy. The current study intended to compare the behavioral responses to the spouse's emotional expression between women with high and low levels of emotional intimacy. A qualitative approach with a descriptive phenomenological design was applied to conduct this study. A sample of 20 married women in Tehran (2021) was selected using a purposive sampling method and considering the principle of saturation. The data were collected through semi-structured interviews and were analyzed using Colaizzi's seven-step method of phenomenological data analysis. Data analysis resulted in extracting six main themes from each group. The main themes extracted from the high emotional intimacy group include "encouragement, attending to emotions and accepting it", "companionship in the cognitive processing of emotion", "proactive responding", "timing in responding to spouse's emotion", "corrective actions" and "managing the environmental stimuli" and the main themes extracted from the low emotional intimacy group include "non-encouragement, not attending to emotions and not accepting it", "rationalization", "reactive emotional responding", "rush in response", "retaliatory actions" and "selective responding". The results indicate that there are some differences between the behavioral responses of the two groups in four dimensions flexibility, constructiveness, companionship, and agency.

Keywords: *self-disclosure, behavior, couple, marital intimacy, qualitative study.*

نوع مقاله : کیفی	دریافت : دی ۱۴۰۱	پذیرش: بهمن ۱۴۰۱	ویرایش نهایی: فروردین ۱۴۰۲

مقدمه

[1*]. این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.3.7]

ازدواج یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌های بشر شناخته‌شده که بر زندگی افراد، خانواده‌ها و جامعه تأثیر بسزایی دارد (حسینی و موحدی، ۲۰۱۶). پژوهشگران معتقدند یکی از جنبه‌های مهم ازدواج موفق، داشتن روابط صمیمانه است (پاشا و همکاران، ۲۰۱۷). لی[1] و همکاران (۲۰۲۱) صمیمیت را به‌منزلهٔ فرایند تبادل عاطفی در زندگی زناشویی تعریف می‌کنند. اهمیت این سازه به‌گونه‌ای است که یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند بین صمیمیت زناشویی با کیفیت زندگی (رویال[2]، ۲۰۲۰)، شادکامی (کیم و کانگ[3]، ۲۰۲۱)، عزت‌نفس (واسکرچ[4]، ۲۰۱۸)، خودکارآمدی جنسی و سازگاری زوجی (شهرویی و همکاران، ۱۴۰۰) رابطهٔ مثبت و معناداری برقرار است. در مقابل، فقدان صمیمیت یک عامل اساسی در تعارضات زناشویی و پریشانی‌های زوجین شناخته شده و یکی از مهم‌ترین عوامل طلاق به شمار می‌رود (برکوس و دنیام[5]، ۲۰۱۷؛ کاردان سورکی[6] و همکاران، ۲۰۱۸؛ کریمی و همکاران، ۲۰۱۹). با توجه به اهمیت صمیمیت، نظریه‌پردازان متعددی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند.

باگاروزی[7] (۲۰۱۴) در الگوی خود نُه مؤلفهٔ صمیمیت را مشخص کرده که عبارتند از: صمیمیت عاطفی، روان‌شناختی، عقلانی، جنسی، بدنی، معنوی، زیباشناختی، اجتماعی-تفریحی و زمانی. یکی از ابعاد صمیمیت زناشویی، صمیمیت عاطفی است که به معنای نیاز به سهیم‌کردن همسر در تجربه‌های هیجانی مثبت و منفی می‌باشد. مسترز[8] (۲۰۱۳) صمیمیت عاطفی را در چهار مرحله به تصویر می‌کشد: شناسایی و پذیرش هیجانات خود؛ ابراز مستقیم هیجانات تجربه‌شده؛ اطمینان از شنیده‌شدن توسط فرد مقابل و درنهایت، وارد شدن به جزئیات. همان‌گونه که مشهود است در فرایند شکل‌گیری صمیمیت دو مولفهٔ ابراز هیجان و نحوهٔ پاسخ‌گویی به آن حائز اهمیت است.

ابراز هیجان به معنای تلاش جهت به اشتراک گذاشتن هیجانات با دیگران است (کامرون و اورال[9]، ۲۰۱۸). فیشر و منستد[10] (۲۰۰۸) تجربه، ابراز و به اشتراک گذاشتن هیجانات را از عناصر مهم فرایند شکل‌گیری و تکوین روابط صمیمانه می‌دانند. در همین راستا، نظریهٔ نفوذ اجتماعی[11] اشاره دارد که صمیمیت بین‌فردی از طریق ابرازگری عمیق و متقابل به وجود می‌آید (پن[12] و همکاران، ۲۰۱۸) و الگوی ماتریس صمیمیت[13] نیز خودابرازگری را یکی از مؤلفه‌های اصلی در مفهوم‌سازی صمیمیت معرفی می‌کند (کرستن و هیمل[14]، ۱۹۹۱). مطابق دیدگاه پژوهشگران ابراز هیجان ذاتاً مخاطره‌آمیز است و احتمال می‌رود با نتایج نامطلوبی همراه باشد؛ لذا فرد زمانی خطر کرده و اقدام به خودافشایی می‌نماید که بتواند پاسخگویی شریک زندگی را به نحو مطلوبی پیش‌بینی کند (روان[15] و همکاران، ۲۰۲۰). مارار[16] (۲۰۱۲) در پژوهش خود نشان می‌دهد مردان هنگامی‌که همسرشان را قابل‌اعتماد، خیرخواه و فاقد هرگونه قضاوتی می‌دانند، حالت دفاعی را کنار گذاشته و به آن‌ها اجازه می‌دهند تا نظاره‌گر حقایق موجود در مورد آن‌ها باشند؛ در مقابل، چنانچه مردان احساس ناامنی کنند، به دلیل ترس از طردشدن به سمت صمیمیت و خودافشایی گام برنمی‌دارند. در این جهت، الگوهای افشاگری (نظیر الگوی تصمیم‌گیری ابرازگری[17]) شرح می‌دهند که پتانسیل ابرازگری منوط به ادراک فرد از نحوهٔ پاسخگویی شخص مقابل است (مگسیمن‌کونرد[18] و همکاران، ۲۰۱۸).

1. Lee
2. Royal
3. Kim & Kang
4. Weisskirch
5. Berkos & Denham
6. Kardan-Souraki
7. Bagarozzi
8. Masters
9. Cameron & Overall
10. Fischer & Manstead
11. social penetration theory
12. Pan
13. intimacy matrix
14. Kersten & Himle
15. Ruan
16. Marar
17. disclosure decision-making model
18. Magsamen-Conrad

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.3.7]

پاسخ، واکنش و عملکرد در ادبیات پژوهش مترادف رفتار در نظر گرفته شده و رفتارها معمولاً به اعمال آشکار یک فرد اشاره دارند (آلباراسین[1] و همکاران، ۲۰۱۴). ریس و شیور[2] (۱۹۸۸) در الگوی خود نشان می‌دهند که فرایند صمیمیت با خودافشایی و ابراز هیجان یک نفر در برابر دیگری آغاز می‌شود و در صورت پاسخگویی همدلانه و حمایت‌گرانهٔ طرف مقابل، فرایند مذکور ادامه می‌یابد؛ لذا یک سازوکار مهم که میانجی‌گر خودافشایی گوینده و تجربهٔ مربوط به صمیمیت است، میزان پاسخگویی شریک زندگی است (لارنسی[3] و همکاران، ۲۰۰۵). طبق این الگو، در فرایند شکل‌گیری صمیمیت، پاسخگویی همسر در قیاس با خودافشایی از اهمیت بیشتری برخوردار است. همچنین کاردووا و اسکات[4] (۲۰۰۱) نیز بر مبنای الگوی رفتاری خود اذعان دارند که ابراز هیجان نوعی آسیب‌پذیری است؛ بنابراین، صمیمیت در رابطه زمانی شکل می‌گیرد که شریک زندگی به‌جای تنبیه به تقویت آن بپردازد.

پژوهش‌های متعددی به مطالعهٔ نحوهٔ پاسخگویی در رابطه و پیامدهای آن پرداخته‌اند. بالزارینی[5] و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعهٔ خود نشان دادند که ارتباط معناداری بین ادراک فرد از نحوهٔ پاسخگویی شریک زندگی هنگام تجربهٔ استرس‌های مرتبط با همه‌گیری کرونا و کیفیت رابطه وجود دارد؛ به عبارتی، افرادی که پاسخگویی شریک خود را پایین ارزیابی می‌کردند در مقایسه با گروه مقابل کیفیت رابطهٔ ضعیف‌تری را گزارش کردند. همچنین پیشینهٔ پژوهشی نشان می‌دهد که ادراک از پاسخگویی شخص مقابل با بهزیستی و سلامت همبستگی داشته و همچنین تعدیل‌گر سرکوب هیجان و انفعال متأثر از عدم توازن قدرت در رابطه است (النسوفرس[6] و همکاران، ۲۰۲۰؛ النسوفرس و همکاران، ۲۰۲۱). پژوهش بیرنباوم[7] و همکاران (۲۰۱۶) نیز به پیوند موجود بین پاسخگویی مطلوب شریک زندگی و افزایش میل جنسی اشاره دارد. در این میان، لازم به ذکر است که عوامل متعددی می‌تواند در چگونگی پاسخ‌دهی نقش داشته باشند.

تأثیر جنسیت و عوامل فرهنگی در نحوهٔ ابراز هیجان (لیم[8]، ۲۰۱۶؛ مشکات و نجاتی، ۲۰۱۷) و پاسخ دریافتی مبرهن است به‌گونه‌ای که از منظر نقش‌های جنسیتی، زنان پرورش‌دهنده، ابرازگر و ازخودگذشته هستند که از پرخاشگری اجتناب می‌کنند؛ درمقابل، مردان بیشتر عامل، مستقل، کاردان و جسور بوده و پرخاشگری را می‌آموزند (رودمن و گلیک[9]، ۲۰۲۱). به‌علاوه، از بُعد فرهنگی نیز جوامع غرب و شرق هرکدام به‌طور جداگانه بر یکی از دو جنبهٔ ارزشمندی هیجانی فردی یا رابطه‌ای تأکید دارند (فریدلمایر[10] و همکاران، ۲۰۱۱). درنتیجه، بر اساس فرایند جامعه‌پذیری و منوط به بافت فرهنگی انتظار می‌رود زنان و مردان هیجانات خویش را در قالب خاصی به نمایش بگذارند که به‌تبع آن پاسخ‌های رفتاری متفاوتی نسبت به آن‌ها فراخوانده می‌شود.

همان‌گونه که مطرح شد، نحوهٔ پاسخگویی به ابراز هیجانات همسر یکی از مؤلفه‌های مهم در فرایند شکل‌گیری صمیمیت زناشویی است. ازآنجایی‌که ابراز هیجان و پاسخ‌دهی به آن امری وابسته به فرهنگ است، اخیراً مطالعاتی در حوزهٔ پاسخگویی به ابراز هیجانات همسر در فرهنگ غرب انجام شده؛ بااین‌وجود، نوعی خلأ پژوهشی در فرهنگ شرق به چشم می‌خورد. در همین راستا، روان و همکاران (۲۰۲۰) توصیه می‌کنند تا پیرامون پاسخ به هیجانات همسر در فرهنگ آسیا تحقیقاتی صورت گیرد. با توجه به اینکه در فرهنگ ایران ابراز هیجان از سوی زنان پذیرفته‌شده‌تر است (رضاپور میرصالح و همکاران، ۱۳۸۹)؛ بنابراین، آقایان کمتر هیجانات خود را ابراز می‌نمایند و این مسئله تبدیل به‌نوعی کلیشهٔ جنسیتی شده که انتظارات را شکل می‌دهد به همین خاطر، احتمال می‌رود نحوهٔ پاسخگویی به ابراز هیجان مردان متفاوت باشد؛ لذا پژوهشگران در پژوهش حاضر قصد دارند در فرهنگ ایران به مقایسهٔ پاسخ‌های رفتاری نسبت به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین بپردازند.

1. Albarracin
2. Reis & Shaver
3. Laurenceau
4. Cordova & Scott
5. Balzarini
6. Aloso-Ferres
7. Birnbaum
8. Lim
9. Rudman & Glick
10. Friedlmeier

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.3.7]

روش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شد. نمونهٔ موردپژوهش دربرگیرندهٔ ۲۰ نفر از زنان متأهل شهر تهران با تجربهٔ حداقل پنج سال زندگی مشترک در سال ۱۴۰۰ بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند (از نوع شدت یا حد) برگزیده شدند. ملاک‌هایی جهت گزینش مشارکت‌کنندگان و ورود به پژوهش در نظر گرفته شد که عبارت بودند از: زندگی مشترک با همسر در حال حاضر، احراز نمرهٔ ۱۵-۶ یا ۳۰-۲۱ در مؤلفهٔ صمیمیت عاطفی از پرسشنامهٔ ارزیابی شخصی صمیمیت در روابط و میل به همکاری در پژوهش. «فقدان تمرکز و عدم همکاری کافی مصاحبه‌شونده حین انجام مصاحبه» نیز ملاک خروج از پژوهش بود. جهت اجرای پژوهش، ابتدا فراخوانی به‌منظور دعوت مشارکت‌کنندگان تنظیم و در فضای مجازی منتشر شد. بیست‌وپنج نفر متقاضی شرکت در پژوهش بودند که در این میان ۲۲ نفر ملاک‌های ورود به پژوهش را برآورده ساختند. پس از انتخاب شرکت‌کنندگان با در نظرگیری اصل اشباع در گروه صمیمیت عاطفی بالا با ۱۱ نفر و در گروه صمیمیت عاطفی پایین با نُه نفر مصاحبه شد. مصاحبه‌ها غالباً به‌صورت تلفنی و مجازی در سال ۱۴۰۰ انجام شد که کمینه و بیشینهٔ مدت‌زمان هر مصاحبه به ترتیب ۳۶ و ۹۰ دقیقه و میانگین و انحراف معیار آن‌ها برابر با ۵۷/۹ و ۱۶/۳ بود. کلیهٔ مصاحبه‌ها با رضایت مخاطبان ضبط شده و پس از مکتوب‌سازی، تجزیه‌وتحلیل آن‌ها توسط یک دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره انجام پذیرفت. تحلیل داده‌ها بدین‌صورت بود که هر مصاحبه بلافاصله پس از انجام، مورد بازخوانی و تحلیل قرار می‌گرفت سپس پژوهشگر بر اساس تحلیل مصاحبه‌های پیشین با سؤالاتی مناسب‌تر و ذهنی بازتر وارد مصاحبه‌های بعدی می‌شد و به‌این‌ترتیب تا مصاحبهٔ پایانی پیش‌روی شد. لازم به ذکر است جهت تحلیل داده‌ها از روش هفت‌مرحله‌ای کلایزی استفاده شد به صورتی که در گام اول، مصاحبه‌ها مورد بازخوانی مکرر واقع شدند و پس از آن، عبارات و جملات مرتبط با پدیدهٔ موردمطالعه مشخص شدند. در مرحلهٔ بعدی به عبارات مشخص‌شده برچسب‌هایی منتسب شد و سپس ارتباط مفهومی این برچسب‌ها باهم منجر به شکل‌گیری مضامین فرعی پاسخ‌های رفتاری گردید. با تشخیص و کنار هم قرار دادن مضامین فرعی مشابه، مضامین اصلی به وجود آمدند. در ادامه، یک مضمون هسته‌ای از هر گروه استنباط شد که توصیف جامعی از پدیدهٔ موردنظر بود. درنهایت، برچسب‌ها و طبقه‌بندی‌ها به برخی از مشارکت‌کنندگان عرضه شد و مورد بازبینی قرار گرفت. شایان توجه است که به‌منظور تقویت اعتمادپذیری پژوهش از ملاک‌های لینکلن و گوبا[1] (۱۹۸۵) استفاده شد. پژوهشگران جهت دستیابی به قابلیت اعتبار[2] سعی داشتند تا در انتخاب مشارکت‌کنندگان حداکثر تنوع در تجربیات را در نظر گیرند. آن‌ها همچنین با ارائهٔ گزارش حاصل از پژوهش به تعدادی از مشارکت‌کنندگان جهت بازبینی آن‌ها به افزایش قابلیت اعتبار کمک نمودند. محققان به منظور کسب قابلیت اطمینان[3] ضمن یادداشت‌برداری در طول پژوهش، فرایند تحقیق را با دقت و شفافیت کامل شرح دادند. آن‌ها در مورد ملاک تأییدپذیری[4] نیز یافته‌های به‌دست‌آمده را با کمک ادبیات پژوهش تبیین کرده و از انطباق‌پذیری یافته‌ها و تبیین‌ها با داده‌های حاصل اطمینان یافتند. قابل ذکر است که مطالعهٔ حاضر مطابق اصول اخلاقی رایج پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی انجام پذیرفته است؛ مشارکت‌کنندگان به‌صورت داوطلبانه و با رضایت آگاهانه در پژوهش شرکت کردند و در هر مرحله از تحقیق امکان خروج از مطالعه را داشتند. کمیتهٔ اخلاق در پژوهش دانشگاه علامه طباطبایی، طرح این پژوهش را مورد ارزیابی و تأیید قرار داد (کد اخلاق:IR.ATU.REC.1400.033).

ابزار سنجش

مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته: در این مطالعه، داده‌ها از طریق مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته گردآوری شدند. در انجام مصاحبه‌ها پس از پرسش‌های جمعیت‌شناختی به سؤالات محوری پرداخته می‌شد و سپس بر اساس پاسخگویی اطلاع‌دهنده، مصاحبه‌کننده با پرسیدن سؤالات پیگیری، پرسش‌های روشن‌کننده و جزئی مصاحبه را هدایت می‌کرد. مصاحبه هشت سؤال محوری را دربر می‌گرفت که دو نمونه از سؤالات اصلی عبارت بودند از: ۱-«ممکنه لطفاً یکی از موقعیت‌هایی که همسرت احساسش رو ابراز می‌کرد برام تعریف کنی؟» ۲-«نسبت به ابراز هیجانات مثبت همسرت مثل شادی و محبت چه واکنشی نشون می‌دادی؟». لازم به ذکر است که سؤالات اصلی پژوهش حول محور مسائل زوجی بر اساس پیشینهٔ پژوهش تدوین شدند و پس از آن به منظور اعتباریابی در اختیار یکی از متخصصین این حوزه قرار

1. Lincoln & Guba
2. credibility
3. dependability
4. confirmability

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.3.7]

گرفتند. پس از ارزیابی سؤالات موجود و افزودن سؤالات پیشنهادی توسط متخصص، پرسش‌هایی که مورد تأیید و توافق طرفین بودند به‌عنوان سؤالات پژوهش در نظر گرفته شدند. درنهایت، سؤالات مربوطه در قالب دو مصاحبهٔ آزمایشی ارزیابی شدند که به تبع آن پرسش‌های نامفهوم اصلاح گردید.

پرسشنامهٔ ارزیابی شخصی صمیمیت در روابط[1] **(PAIR)**: این پرسشنامه به وسیلهٔ شافر و اولسون[2] (۱۹۸۱) طراحی شده و شامل ۳۶ گویه است که پنج بُعد صمیمیت عاطفی، اجتماعی، جنسی، عقلانی و تفریحی را در یک طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار می‌دهد. گویه‌های ۱، ۷، ۱۳، ۱۹، ۲۵، ۳۱ مربوط به بُعد صمیمیت عاطفی است که به‌صورت معکوس و مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند. نمرات حاصل از هر بَعد صمیمیت در بازهٔ ۳۰-۶ قرار می‌گیرد و هرچه نمرات به‌دست‌آمده بالاتر باشد، نشان‌دهندهٔ صمیمیت بیشتر در رابطهٔ زناشویی است. شافر و اولسون (۱۹۸۱) با استفاده از روش آلفای کرونباخ، پایایی هر بُعد از صمیمیت را در محدودهٔ ۰/۷۰ تا ۰/۷۷ محاسبه کرده و پایایی بَعد صمیمیت عاطفی را ۰/۷۵ گزارش کردند. آن‌ها همچنین روایی این ابزار را از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و شاخص روایی همزمان را با پرسش‌نامه‌های مشابه مورد بررسی و تأیید قرار دادند؛ قابل ذکر است که همبستگی خرده مقیاس صمیمیت عاطفی این ابزار با پرسش‌نامهٔ سازگاری زناشویی[3] (لاک و والاس[4]، ۱۹۵۹) و پرسش‌نامهٔ خودافشایی[5] (جرارد[6]، ۱۹۶۴) به ترتیب ۰/۶۲ و ۰/۲۷ بود. اخلاقی امیری (۱۳۸۹) در پژوهش خود، همبستگی موجود بین نمرات حاصل از پرسشنامهٔ مزبور و مقیاس صمیمیت[7] (والکر و تامپسون[8]، ۱۹۸۳) را معادل ۰/۷۴ برآورد و روایی هم‌زمان این پرسشنامه را تأیید کرد؛ به‌علاوه، پایایی کل پرسش‌نامه و زیرمقیاس صمیمیت عاطفی را با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۲ و ۰/۸۱ گزارش کرد. در پژوهش حاضر پایایی خرده مقیاس صمیمیت عاطفی با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ محاسبه شد.

یافته‌ها

در گروه زنان با صمیمیت عاطفی بالا، ۱۱ نفر مورد مطالعه قرار گرفتند که اطلاعات جمعیت‌شناختی آن‌ها در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی زنان با صمیمیت عاطفی بالا

کد	سن	سال‌های زندگی مشترک	نمرهٔ صمیمیت عاطفی	تحصیلات	شغل
۱	۳۵	۱۴	۲۵	دیپلم	خانه‌دار
۲	۳۱	۱۰	۲۲	کارشناسی	خانه‌دار
۳	۵۴	۲۹	۲۸	دکتری	متخصص رادیولوژی
۴	۳۳	۱۰	۲۶	ارشد	خانه‌دار
۵	۲۶	۵	۲۷	ارشد	خانه‌دار
۶	۳۲	۷	۲۳	دکتری	معلم
۷	۲۷	۵	۲۹	کارشناسی	کارگزاری
۸	۲۵	۵	۲۳	کارشناسی	خانه‌دار
۹	۵۰	۲۷	۲۵	ارشد	خانه‌دار
۱۰	۳۰	۹	۲۴	کارشناسی	خانه‌دار
۱۱	۳۸	۱۹	۲۲	دیپلم	کار اجرایی و آموزش

1. Personal Assessment of Intimacy in Relationship (PAIR)
2. Schaefer & Olson
3. Marital Adjustment Scale
4 . Locke & Wallace
5. Self-disclosure Scale
6 . Jourard
7. Intimacy Scale (SI)
8. Walker & Thompson

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.3.7]

همان‌گونه که مشاهده می‌شود میانگین سن، سال‌های زندگی مشترک و نمرات صمیمیت عاطفی این گروه معادل ۳۴/۶، ۱۲/۷ و ۲۴/۹ محاسبه شده است. مضمون هسته‌ای به‌دست‌آمده در نتیجهٔ تجزیه‌وتحلیل داده‌های مستخرج از مصاحبه با گروه صمیمیت عاطفی بالا عبارت بود از: «به نظر می‌رسد زنان با صمیمیت عاطفی بالا نسبت به ابراز هیجانات همسر به‌صورت فعالانه و انعطاف‌پذیر، پاسخ‌های سازنده می‌دهند و ضمن همراهی با هیجانات شریک زندگی، زمینهٔ ابرازگری مناسب را فراهم می‌سازند». مضمون هسته‌ای مذکور شامل پنج مضمون اصلی و ۳۵ مضمون فرعی می‌باشد که در ادامه به‌تفصیل شرح داده خواهند شد.

۱- مضمون اصلی اول: همراهی، توجه به هیجان و پذیرش آن

مضمون اصلی اول نشان می‌دهد که زنان با صمیمیت عاطفی بالا ضمن پذیرش هیجانات همسر با همراهی و واکنش مطلوب به آن‌ها پاسخ می‌دادند. این مضمون اصلی دربرگیرندهٔ هفت مضمون فرعی است که عبارتند از: «توجه به هیجان و پذیرش آن»، «تأیید هیجان»، «واکنش به هیجان منفی مطابق با میل همسر»، «همراهی با هیجانات مثبت و منفی»، «قدرشناسی از ابراز محبت و محبت متقابل»، «اطمینان‌آفرینی هنگام مواجهه با هیجان منفی» و «همدلی با هیجانات منفی».

شرکت‌کنندهٔ (۱) در این زمینه اظهار داشت: «*وقتی ناراحتیشو میگه، اول تأییدش می‌کنم که آره واقعاً حق داشتی فلانی اینو گفت و تو ناراحت شدی و حق با تو بود*». شرکت‌کنندهٔ دیگری (۱۰) بیان کرد: «*نقش منم معمولاً اینه که طرف رو ول نمی‌کنم با هیجاناتش، هر هیجانی که باشه...سعی می‌کنم همراهی کنم و تنهاش ندارم تو هیجاناتش*».

۲- مضمون اصلی دوم: همراهی در پردازش شناختی هیجان

مضمون اصلی دوم بدین معناست که در این گروه، زنان به واکاوی علل زیربنایی هیجانات پرداخته و سعی داشتند تا با کمک همسر مسئلهٔ موجود را حل نمایند. مضمون اصلی مزبور شامل سه مضمون فرعی «واکاوی علل پس از کاهش بار هیجانی»، «اصرار بر واکاوی علل و گفتگو در مورد آن» و «مساعدت شناختی در حل مسئله» می‌باشد.

دو نمونه از مشارکت‌کنندگان بدین‌صورت توصیف کردند: «*مثلاً یه روز، دو روز میگذره دوباره در مورد مسئله با همدیگه هم‌فکری می‌کنیم حالا کم یا زیاد هرچی بالاخره یه راه‌حلی براش پیدا می‌کنیم. سعی می‌کنیم یه راه‌حل دوتایی براش پیدا کنیم اگه هیچ کدوم به نتیجه نرسیدیم*» (مشارکت‌کنندهٔ ۴). «*اگه بتونم کاری انجام بدم تو اون موضوع حتماً سعی می‌کنم که همفکری بکنم باهاشون و باهم یه چاره‌ای پیدا کنیم اگه مشکلی بالاخره وجود داره که اون استرس و ترس رو ایجاد کرده*» (مشارکت‌کنندهٔ ۳).

۳-مضمون اصلی سوم: پاسخ‌دهی کنش‌گرانه

این گروه از زنان در برابر هیجانات و نحوهٔ ابرازگری همسر به شکل سازنده‌ای واکنش نشان داده و منفعلانه رفتار نمی‌کردند. دوازده مضمون فرعی «سکوت اما همراهی فیزیکی»، «گوش دادن فعال به ابراز کلامی هیجانات»، «کاهش هیجان منفی با تماس فیزیکی و کلامی»، «کاهش بار هیجان منفی با پذیرش نقش خود در بروز آن»، «همانندسازی با هیجان مثبت»، «تداوم هیجان مثبت با استفاده از تجارب زیسته»، «کنشگری در صورت انفعال و ناامیدی همسر»، «واکنش بر اساس ارزیابی واقع‌گرایانهٔ هیجان»، «پاسخ مناسب به نحوهٔ ابرازگری همسر»، «بسترسازی در جهت تسهیل ابرازگری همسر»، «پاسخگویی تأملی و نه بازخورد تکانشی» و «کنش‌گری در برانگیختن هیجان تعلق» در ذیل این مضمون اصلی قرار می‌گیرند.

به‌عنوان نمونه مشارکت‌کنندهٔ (۲) اشاره داشت: «*عصبانی که بود منم دیگه دستاشو گرفتم، بغلش کردمو دیگه آرومش کردم و گفتم ببخشید اشتباه از من بود*». به‌علاوه، مشارکت‌کنندهٔ (۵) بیان کرد: «*اگه ناراحتیشو نگه اما متوجهش بشم بستگی به موضوع داره که مثلاً بخوام بهش بگم احساس می‌کنم برا چیزی نگرانی مثلاً از این در وارد بشم تا بخواد به زبون بیاره یا بگم امشب کمتر حرف زدی، آشفته بودی*».

۴- مضمون اصلی چهارم: زمان‌بندی در پاسخ‌دهی به هیجان همسر

زنان با صمیمیت عاطفی بالا از زمان کمک می‌گرفتند تا ابرازگری همسر را بهبود بخشند و به‌طورکلی، در پاسخ‌دهی خود زمان‌بندی را لحاظ می‌کردند. این مضمون اصلی، چهار مضمون فرعی «کمک به ابرازگری هیجان در گسترهٔ زمان»، «عدم‌تمرکز بر حل مسئله تا کاهش بار هیجانی»، «پاسخگویی پس از ابرازگری کامل همسر» و «پردازش هیجان منفی در وضعیت شناختی-هیجانی مطلوب» را دربر می‌گیرد.

تعدادی از مشارکت‌کنندگان در همین راستا عنوان کردند: «*اگه عصبانی باشه سکوت می‌کنم تا آروم بشه و بفهمه که عصبانتیش رو باید به دیالوگ تبدیل کنه. بعدش حرف می‌زنیم*» (مشارکت‌کنندهٔ ۶). «*وقتی ناراحته، سکوت میکنه. اوایل شدیدتر بود قبلنا سکوت طولانی*

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.3.7]

شاید تا یک ماه هم به زور میتونستی سر حرفش بیاری ولی انقد من حرف زدم الان بهتره، سکوتش کوتاه‌تره و به یکی دو روز رسیده دیگه» (مشارکت‌کنندۀ ۹).

۵- مضمون اصلی پنجم: اقدامات اصلاحی

زنان در گروه صمیمیت عاطفی بالا از راهکارهای مختلفی به‌منظور اصلاح سبک ابرازگری همسر و بهبود وضعیت خلقی-هیجانی او استفاده می‌کردند. پنج مضمون فرعی در ذیل این مضمون اصلی قرار دارد که عبارتند از: «تقلیل هیجان منفی با مشورت شخص ثالث»، «تقلیل هیجان منفی از طریق معنویت»، «تلاش در راستای اصلاح سبک ابرازگری»، «کمک به شکل‌گیری سبک درست مقابله با هیجان»، «تمرکززدایی از هیجان منفی»، «آرام‌سازی همسر از طریق راهبردهای مختلف» و «ارائۀ راهکار بر اساس ارزیابی موقعیت و نیاز همسر». مشارکت‌کنندۀ (۶) در این زمینه گفت: «*برای اینکه محبتش رو تو رفتارم بهم نشون بده، به‌طور مداوم باهاش حرف می‌زدم*». همچنین مشارکت‌کنندۀ (۸) بیان کرد:

«همسرم بیشتر ناامیده از کارش و موقعیت اجتماعیش یا مثلاً یکم ریشاش سفیدی درآورده میگه پیر شدم. چند وقت پیش دیدم خیلی این قضیه پیر شدم داره تکرار میشه و به نظرم تکرار همین واژه باعث حس بد آدم میشه بعد یه بار اومدم دست گذاشتم رو نقطه‌ضعفش گفتم میدونی اینکه هی میگی پیر شدم و از شرایط بدت میگی تنها چی رو نشون میده؟ اینکه تو توی زندگیت اصلاً راضی نیستی و احساس خوشحالی نداری بعد گفت نه به خدا میدونی شوخی می‌کنم، گفتم نه شوخیشم قشنگ نیس و الان تونستم تاحدی کنترلش کنم که اصلاً این واژه رو نمیگه، واژه‌های مشابه مثبتش رو استفاده میکنه».

۶- مضمون اصلی ششم: مدیریت محرک‌های محیطی

در این گروه، زنان سعی داشتند تا با کنترل شرایط محیطی جهت کاهش هیجان منفی و پیشگیری از آن گام بردارند؛ مخصوصاً در مواقعی که امکان مداخله مستقیم فراهم نبود. مضمون اصلی مذکور شامل چهار مضمون فرعی «فراهم‌کردن شرایط آرام‌بخش»، «کاهش هیجانات محیطی»، «کنترل شرایط محرک هیجان منفی» و «مفرح کردن شرایط محیطی» می‌باشد.

یکی از مشارکت‌کنندگان اشاره داشت: «*اراحت که باشه، دمنوش‌های آرامش‌بخش مثلاً براش درست می‌کنم حتی اگه خودشم نگه دیگه چون مدلش رو میدونم اونا رو درست می‌کنم بهش میدم بخوره*» (شرکت‌کنندۀ ۱). شرکت‌کنندۀ دیگری (۱۱) ذکر کرد: «*اگه بفهمم مضطربه، محیط خونه رو آروم می‌کنم ینی مثلاً به بچه‌ها میگم شلوغ‌کاری نکنین یا اگه خودم کاری داشته باشم که بدونم روی مخشه یا اعصابشو بهم میریزه انجام نمی‌دم*».

در گروه زنان دارای صمیمیت عاطفی پایین با نُه نفر مصاحبه شد که اطلاعات جمعیت‌شناختی هریک در جدول زیر شرح داده شده است.

جدول ۲. اطلاعات جمعیت‌شناختی زنان با صمیمیت عاطفی پایین

کد	سن	سال‌های زندگی مشترک	نمرۀ صمیمیت عاطفی	تحصیلات	شغل
۱	۵۰	۳۱	۱۳	دیپلم	خانه‌دار
۲	۲۷	۸	۱۱	دیپلم	فینگرفود و دسر
۳	۲۷	۸	۱۲	کارشناسی	خانه‌دار
۴	۳۸	۱۷	۹	کارشناسی	خانه‌دار
۵	۳۸	۱۸	۱۰	کارشناسی	خانه‌دار
۶	۴۲	۱۶	۹	ارشد	خانه‌دار
۷	۲۶	۶	۸	دیپلم ردی	خانه‌دار
۸	۵۴	۳۱	۱۲	دیپلم	خانه‌دار
۹	۲۹	۷	۹	کارشناسی	خانه‌دار

طبق جدول شماره ۲ میانگین سن، سال‌های زندگی مشترک و نمرات صمیمیت عاطفی این گروه به ترتیب ۳۶/۷، ۱۵/۷ و ۱۰/۳ می‌باشد. درنتیجۀ تجزیه‌وتحلیل داده‌های حاصل از گروه زنان با صمیمیت عاطفی پایین، ۳۲ مضمون فرعی استخراج و در قالب شش مضمون اصلی طبقه‌بندی شدند. مجموع مضامین مستخرج شده به یک مضمون هسته‌ای منتج شد که عبارت بود از: «به نظر می‌رسد زنان با صمیمیت عاطفی پایین نسبت به ابراز هیجانات همسر به‌صورت منفعلانه و انعطاف‌ناپذیر، پاسخ‌های مخرب می‌دهند و ضمن عدم همراهی

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.3.7]

با هیجانات شریک زندگی، زمینهٔ ابرازگری نامناسب را فراهم می‌سازند». جهت درک بهتر یافته‌ها در ادامه به هریک از مضامین اصلی و فرعی پرداخته خواهد شد.

۱-مضمون اصلی اول: عدم همراهی، فقدان توجه به هیجان و عدم پذیرش آن

مضمون اصلی اول بیانگر این است که زنان با صمیمیت عاطفی پایین علاوه بر بی‌توجهی به هیجانات همسر و عدم پذیرش آن‌ها، هرگونه همراهی خود را نیز دریغ می‌کردند. این مضمون اصلی، نُه مضمون فرعی «بی‌توجهی به هیجانات همسر و محافظت از خود و فرزندان»، «نادیده گرفتن هیجان با تأکید بر عملکرد»، «عدم‌پردازش عمیق هیجانات همسر»، «انتقاد از نحوهٔ ابرازگری همسر»، «سرزنش همسر هنگام مواجهه با هیجان منفی»، «درک و تأیید نکردن هیجانات همسر»، «بی‌اهمیتی/ همراهی‌نکردن با هیجانات»، «اجتناب از حل مسائل هیجانی» و «سهیم نشدن در هیجانات همسر» را دربردارد.

دو نمونه از مشارکت‌کنندگان در این راستا اشاره داشتند: «*ببین من جدیداً به خاطر یه سری مشکلات و اینا اصلاً کاراش برام مهم نیس دیگه، خوشحالم باشه یا ناراحت باشه اصلاً دیگه برام مهم نیس و توجهی نمی‌کنم*» (مشارکت‌کنندهٔ ۷). «*مهم‌تر اینکه چون هیجاناتش برام مهم نیست، خودمو شریکش نمیدونم*» (مشارکت‌کنندهٔ ۲).

۲- مضمون اصلی دوم: عقلانی سازی

زنان در این گروه ضمن عقلانی‌سازی هیجانات همسر از پاسخ‌های منطقی در برابر ابرازگری او استفاده می‌کردند. مضمون اصلی مذکور شامل دو مضمون فرعی «عقلانی کردن هیجانات» و «پاسخ عقلانی به هیجانات منفی» می‌باشد. مشارکت‌کنندهٔ (۶) در این زمینه بیان کرد:

«*احساس گناه بیشتر بهش القا میکنن که مادرش سرطان داره و حالش خوب نیست...این مواقع من صحبت می‌کنم که اونا دارن مسئولیت خودشونم میندازن رو تو، تو من و زندگیتو ول‌کنی بچسبی به مادرت. بهش میگم اونا جوری رفتار میکنن که این احساس بهت داده میشه ولی تو اندازهٔ خودت تلاش کردی، یعنی تو کم نذاشتی که احساس عذاب وجدان کنی*».

۳- مضمون اصلی سوم: پاسخ‌دهی هیجانی واکنشی

در سطح پایین صمیمیت عاطفی، پاسخگویی زنان غالباً به‌صورت هیجانی بوده و آن‌ها در مواجهه با هیجانات همسر به‌صورت تکانشی یا منفعلانه رفتار می‌کردند. هشت مضمون فرعی در ذیل این مضمون اصلی عنوان شده که عبارتند از: «فرورفتن در گرداب هیجان منفی همسر»، «پافشاری بر موضع خود در برابر هیجان منفی همسر»، «فروکاستن هیجان منفی با استفاده از تهدید»، «پردازش هیجان منفی در شرایط هیجانی نامناسب»، «بی‌توجهی به عاملیت خود در ظهور هیجان منفی»، «همراهی با هیجان منوط به وضعیت خلقی»، «پاسخ انفعالی تسلیم در اثر احساس ترس» و «بی‌تفاوتی و عدم پاسخ‌دهی به هیجان».

یکی از مشارکت‌کنندگان (۷) توصیف کرد: «*اول اون قاطی میکنه، دادوبیداد و فحش و اینا خب منم جدیداً خیلی عصبانی میشم دیگه حالا فحش و همه چی دیگه بهم میگیم...حتی واکنش من شاید شدیدترم بشه تا اون*». مشارکت‌کنندهٔ دیگری (۸) گفت: «*منم ناراحت می‌شم مثلاً اون دادوهوار می‌زنه بیشتر اوقات من می‌بینم تو خطرم سکوت می‌کنم، هیچی نمیگم و ادامه نمیدم*».

۴- مضمون اصلی چهارم: شتاب‌زدگی در پاسخ‌دهی

این گروه از مشارکت‌کنندگان در پاسخگویی خود مؤلفهٔ زمان را لحاظ نکرده و عجولانه نسبت به ابرازگری همسر واکنش نشان می‌دادند. مضمون اصلی مذکور دربرگیرندهٔ سه مضمون فرعی «کنجکاوی و پرسش شتاب‌زده در مورد شرایط هیجان‌آور»، «واکاوی علل در بحبوحهٔ بار هیجان» و «راه‌حل دادن در بحبوحهٔ هیجان» می‌باشد.

دو نمونه از مشارکت‌کنندگان این‌گونه توضیح دادند: «*از تلفنش می‌فهمم که مثلاً ناراحته. منم بعد اینکه تلفنش رو قطع میکنه بهش میگم چی بود جریان؟ چی می‌گفتی؟ چی شده؟ توضیح کاملم نمی‌ده در همون حد که از تلفنا فهمیدم یه مختصر توضیح میده*» (مشارکت‌کنندهٔ ۱). «*وقتی ناراحته خب می‌پرسم مثلاً چیشده و اینا؟ میگه هیچی نشده اتفاقی نیفتاده بعد میگم خب مثلاً چرا ناراحتی؟ میگه نه ناراحت نیستم، هیچی نشده مثلاً این‌جوری جواب میده*» (مشارکت‌کنندهٔ ۳).

۵- مضمون اصلی پنجم: اقدامات تلافی‌جویانه

زنان با صمیمیت عاطفی پایین در پاسخ به ابرازگری نامطلوب همسر، دست به اقدامات تلافی‌جویانه می‌زدند. هفت مضمون فرعی مقوله‌بندی شده در ذیل این مضمون شامل «مثلث‌سازی در برابر هیجان منفی»، «اجتناب از رابطهٔ جنسی»، «طرد همسر هنگام ابراز

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.3.7]

محبت»، «مچ‌گیری و برانگیختن هیجان منفی همسر»، «تحقیر همسر هنگام بروز هیجان منفی»، «تأخیر در پاسخگویی به هیجانات همسر» و «سوءاستفاده از هیجان منفی جهت ارضای نیاز خود» می‌باشد.

مشارکت‌کنندهٔ (۵) در این راستا بیان کرد: «*تو عصبانیتش مثلاً یه جوری رفتار کردم گفتم ببین اصن تو جلو من حرف می‌زنی انگار سگ داره واق‌واق میکنه، سعی کن از خودت زیاد مایه نذاری*». به‌علاوه، مشارکت‌کنندهٔ (۹) اشاره داشت: «*اگه عصبانی و ناراحت باشم از دستش که اصلاً درهم به روش می‌بندم اینجوری، آره تو رابطه جنسی طردش می‌کنم. منم سعی می‌کنم وقتی منو ناراحت میکنه ردش کنم و باید بدوعع دنبال من*».

۶- مضمون اصلی ششم: پاسخ‌دهی گزینشی

زنان در این گروه همواره نسبت به ابرازگری همسر واکنش مطلوب نشان نداده و نحوهٔ پاسخگویی آن‌ها منوط به نوع هیجان و موقعیت موجود بود. مضمون اصلی مزبور سه مضمون فرعی «عدم‌حمایت از تجربهٔ هیجان مثبت خارج از چهارچوب خانواده»، «ترک موقعیت در صورت بروز هیجان منفی» و «نحوهٔ پاسخ‌دهی منوط به نوع هیجان» را دربر می‌گیرد. یکی از مشارکت‌کنندگان این‌گونه توضیح داد: «*وقتی از یه چیزی میترسه مظلوم میشه و من میتونم بهش نزدیک بشم اما مواقعی که عصبانیه نه من نمیتونم. اگه ترسیده باشه میذاره بهش نزدیک بشی یعنی میتونم بگم مسئله‌ای نیست و دستاشو بگیرم این همراهی رو میذاره*» (شرکت‌کنندهٔ ۴). مشارکت‌کنندهٔ دیگری (۱) گفت:

«*وقتایی که مسافرت تفریحی با دوستاش میره، اولش خیلی قاطعانه میره من هر چقدرم که بگم نرو، اون میره اما وقتی برمیگرده خیلی پشیمونه و احساس گناه میکنه. میاد من میگم که خب تعطیلی چی بود رفتی مارو گذاشتی! حالا با زن و بچه‌ات بودی بهتر نبود؟*».

ضمن مقایسهٔ مضامین اصلی گروه صمیمیت عاطفی بالا («همراهی، توجه به هیجان و پذیرش آن»، «همراهی در پردازش شناختی هیجان»، «پاسخ‌دهی کنش‌گرانه»، «زمان‌بندی در پاسخ‌دهی به هیجان همسر»، «اقدامات اصلاحی» و «مدیریت محرک‌های محیطی») با مضامین اصلی گروه صمیمیت عاطفی پایین («عدم همراهی، فقدان توجه به هیجان و عدم پذیرش آن»، «عقلانی‌سازی»، «پاسخ‌دهی هیجانی واکنشی»، «شتاب‌زدگی در پاسخ‌دهی»، «اقدامات تلافی‌جویانه» و «پاسخ‌دهی گزینشی») می‌توان گفت که تفاوت بین دو گروه گویا در چهار محور انعطاف‌پذیری، سازنده بودن، همراهی کردن و عاملیت می‌باشد بطوریکه گروه اول منعطف‌تر، سازنده‌تر و فعالانه‌تر پاسخ داده و همراهی بیشتری از خود نشان می‌دهند درحالی‌که گروه دوم به‌صورت غیرمنعطف‌تر، مخرب و منفعلانه واکنش داده و تا حدودی همراهی خود را نیز دریغ می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسهٔ پاسخ‌های رفتاری به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین انجام شد. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده به نظر می‌رسد که در گروه صمیمیت عاطفی بالا، زنان نسبت به ابراز هیجانات همسر به‌صورت فعالانه و انعطاف‌پذیر، پاسخ‌های سازنده‌تری می‌دهند و ضمن همراهی با هیجانات شریک زندگی، زمینهٔ ابرازگری مناسب را فراهم می‌سازند. تحلیل داده‌های حاصل از این گروه به شش مضمون اصلی «همراهی، توجه به هیجان و پذیرش آن»، «همراهی در پردازش شناختی هیجان»، «پاسخ‌دهی کنش‌گرانه»، «زمان‌بندی در پاسخ‌دهی به هیجان همسر»، «اقدامات اصلاحی» و «مدیریت محرک‌های محیطی» منتج شد. در ادامه، چند نمونه از این مضامین توصیف و تبیین شده‌اند.

همان‌گونه که مطرح شد، زنان با صمیمیت عاطفی بالا افزون بر پذیرش و توجه به نشانگان هیجانی همسر، با آن‌ها همراه می‌شدند. این یافته با نتایج پژوهش حریری[1] و همکاران (۲۰۲۰)، نعمتی و همکاران (۱۳۹۹) و یوسفی افراشته و حیاتی (۱۴۰۰) همسو می‌باشد به‌گونه‌ای که حریری و همکاران (۲۰۲۰) و یوسفی افراشته و حیاتی (۱۴۰۰) درک متقابل، همراهی و حمایت را از عناصر مهم صمیمیت زوجی و کیفیت رابطهٔ زناشویی قلمداد کردند. الگوی کرستن و هیمل (۱۹۹۱) حمایت عاطفی را از جمله مؤلفه‌های مهم به‌وجودآورندهٔ صمیمیت زناشویی تلقی می‌کند که برای آن چهار محور گستره، مدت‌زمان، عمق و تقابل را برمی‌شمرد. تبیین یافتهٔ مزبور طبق این الگو

1. Hariri

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.3.7]

چنین می‌نماید که زنان با صمیمیت عاطفی بالا محتملاً حمایت عاطفی را در چهار محور موردنظر به‌خوبی به نمایش می‌گذارند. به‌عبارتی، در این گروه به نظر می‌رسد که زنان افزون بر هیجانات مثبت، هنگام بروز هیجانات منفی همسر نیز فارغ از هرگونه قضاوت ارزشی، پاسخگویی همدلانه داشته و حمایت عاطفی خود را در گسترهٔ وسیعی از هیجانات نشان می‌دهند. آن‌ها همچنین با درنظرگیری محورهای مدت‌زمان و عمق محتملاً ضمن توجه به زمان‌بندی در پاسخگویی، با صداقت و میل قلبی در برابر ابرازگری همسر پاسخ‌های حمایت‌گرانه می‌دهند. درنهایت، وجود حمایت عاطفی به‌منزلهٔ رکن مهم شکل‌دهندهٔ صمیمیت زناشویی در این گروه می‌تواند فضای ایمن و زمینه‌ای را فراهم سازد که مشوق مردها به ابرازگری بوده و تقابل بین حمایت عاطفی و ابرازگری احتمالاً تسهیلگر فرایند تکوین صمیمیت باشد.

مطالعهٔ حاضر همچنین نشان داد که زنان در گروه صمیمیت عاطفی بالا نسبت به ابراز هیجانات همسر به‌صورت فعالانه و سازنده پاسخگو بودند. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش پیرساقی و همکاران (۱۳۹۶) و مهدی‌نژاد قوشچی و اسدپور (۱۳۹۷) و درخش و همکاران (۱۳۹۸) همسو است. مهدی‌نژاد قوشچی و اسدپور (۱۳۹۷) و درخش و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود با تأکید بر نقش گوش دادن فعال و گفت‌وگوی منطقی در کیفیت رابطه، نتایج مشابهی را گزارش کردند. کاردووا و اسکات (۲۰۰۱) در الگوی رفتاری خود اذعان دارند که ابرازگری در گسترهٔ زندگی غالباً با پیامدهای نامطلوبی همراه بوده و نوعی آسیب‌پذیری محسوب می‌شود؛ لذا صمیمیت در تعاملات زمانی رخ می‌دهد که این رفتار آسیب‌پذیر در رابطه مورد تقویت قرار گرفته و در مقابل، رفتارهای غیرصمیمانه تنبیه شوند. در تبیین این یافته بر مبنای الگوی رفتاری مذکور به نظر می‌رسد که زنان در گروه صمیمیت عاطفی بالا غالباً با تقلیل هیجانات منفی همسر و تداوم‌بخشی به هیجانات مثبت او سعی دارند تا با پاسخگویی مطلوب خود، ابرازگری همسر را تقویت نمایند. از سوی دیگر، معمولاً زنان این گروه در برابر سبک نامطلوب ابرازگری همسر فعالانه واکنش نشان داده و در تلاش‌اند تا با تنبیه رفتارهای مخرب، کیفیت رابطهٔ موجود را بهبود بخشند. در نتیجه گمان می‌رود که زنان طی این فرایند با ارتقا رفتارهای متناسب با صمیمیت به شکل‌گیری آن در رابطهٔ زوجی کمک نمایند.

در مقابل، بر اساس یافته‌های حاصل از گروه با صمیمیت عاطفی پایین، به نظر می‌رسد که زنان نسبت به ابراز هیجانات همسر به‌صورت منفعلانه و انعطاف‌ناپذیر، پاسخ‌های مخرب می‌دهند و ضمن عدم همراهی با هیجانات شریک زندگی، زمینهٔ ابرازگری نامناسب را فراهم می‌آورند. در نتیجهٔ تحلیل داده‌های مستخرج از این گروه، شش مضمون اصلی «عدم همراهی، فقدان توجه به هیجان و عدم پذیرش آن»، «عقلانی‌سازی»، «پاسخ‌دهی هیجانی واکنشی»، «شتاب‌زدگی در پاسخ‌دهی»، «اقدامات تلافی‌جویانه» و «پاسخ‌دهی گزینشی» به دست آمد.

همان‌گونه که شرح داده شد، زنان با صمیمیت عاطفی پایین هیجانات همسر را نپذیرفته و همراهی خود را از وی دریغ می‌کردند. این یافته مشابه نتایج پژوهش اسماعیلی‌فر و همکاران (۱۳۹۸)، دهدست و قبادی (۱۳۹۹) و یگانه‌فرد و همکاران (۱۴۰۱) می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که یگانه‌فرد و همکاران (۱۴۰۱) و دهدست و قبادی (۱۳۹۹) نشان دادند عدم درک و همدلی، بی‌توجهی و فقدان حمایت در کیفیت و پایداری رابطهٔ زناشویی نقش دارد. در تبیین یافتهٔ مزبور به نظر می‌رسد که زنان در این گروه غالباً قائل به هویت زوجی نبوده و احتمالاً به‌جای تمرکز بر رابطه و بهبود آن، بر محافظت از خود تأکید دارند. درنتیجه، گمان می‌رود که این افراد با متمایز کردن خود از هیجانات همسر و بی‌توجهی نسبت به آن‌ها احتمالاً شریک زندگی خویش را از ابرازگری دلسرد می‌کنند و صمیمیت را تنزل می‌دهند. به‌علاوه، این را نیز نباید از نظر دور داشت که رابطهٔ بین صمیمیت، ابراز هیجان همسر و پاسخ رفتاری فرد، رابطهٔ خطی یک‌طرفه نیست بلکه یک برهم‌کنش در میان این سه جاری است که می‌تواند یک چرخهٔ خودتشدیدشونده ایجاد نماید. به‌عبارت‌دیگر، در این گروه ممکن است زمینهٔ صمیمیت عاطفی پایین (سطح پایهٔ صمیمیت در مراحل ابتدایی شکل‌گیری رابطه) موجب شود که زنان میل کمتری به همدلی و همراهی با همسر خود داشته باشند و این به‌نوبهٔ خود می‌تواند ابرازگری همسر و نهایتاً پاسخ‌های رفتاری فرد به آن ابرازگری را تحت‌الشعاع قرار دهد.

یافتهٔ دیگری نشان داد که زنان در گروه صمیمیت عاطفی پایین ضمن عقلانی‌سازی هیجانات همسر اغلب به‌صورت کاملاً منطقی به آن‌ها بازخورد می‌دادند. این یافته با نتایج حاصل از مطالعهٔ پژوهش (۱۳۹۹) همسو می‌باشد. پژوهش (۱۳۹۹) با بررسی نحوهٔ پذیرش متقابل در زوج‌هایی که صمیمیت عاطفی پایین را تجربه می‌کنند به دو مضمون «عقلانی کردن» و «عقلانی کردن هیجانات و گوش شنوا نداشتن» اشاره کرد. با توجه به کلیشه‌های جنسیتی-فرهنگی، مردان غالباً به منزلهٔ قدرت در نظر گرفته می‌شوند و ابراز هیجان از جانب آن‌ها چندان پذیرفته‌شده نیست؛ در همین راستا، ظهره‌وند (۱۳۸۳) نشان داد که ابراز رفتارهای عاطفی از جانب پسران انتقاد دیگران را به دنبال دارد و آن‌ها با رفتارهایی همچون مهربانی و گریه کردن گویا برخلاف نقش جنسیتی مورد انتظار جامعه عمل می‌کنند. درنتیجه،

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.3.7]

به نظر می‌آید که زنان با صمیمیت عاطفی پایین هنگام ابرازگری همسر احتمالاً برای بُعد هیجانی آن اهمیت چندانی قائل نبوده و سعی دارند با پاسخگویی منطقی جهت حذف هیجان موجود گام بردارند. به عبارتی گویا در این سطح از صمیمیت زنان فارغ از هرگونه نگاه انتقادی، کلیشه‌های جنسیتی-فرهنگی موجود را می‌پذیرند که به تبع آن احتمال می‌رود ضمن بی‌اعتبارسازی هیجانات مردان در رابطه ابرازگری همسر را خاموش ساخته و مانع شکل‌گیری صمیمیت عاطفی شوند.

یافتهٔ دیگر پژوهش روشن ساخت که زنان با صمیمیت عاطفی پایین به‌صورت منفعلانه و یا تکانشی و بدون تأمل به ابراز هیجانات همسر پاسخ می‌گویند. این یافته با نتایج مطالعات افراسیابی و دهقانی دارامرود (۱۳۹۵)، طاهری بنچناری و همکاران (۱۳۹۷) و ملایی و همکاران (۱۳۹۷) همسو بود. طاهری بنچناری و همکاران (۱۳۹۷) و ملایی و همکاران (۱۳۹۷) مشابه نتایج حاصل به نقش پاسخ‌هایی از قبیل تهمت، تهدید، دعوا، معذرت‌خواهی نکردن، سکوت و قهر در کاهش کیفیت رابطهٔ زناشویی و پایداری آن اشاره کردند. در تبیین یافتهٔ مذکور می‌توان از نظریهٔ گاتمن (۲۰۱۵) استفاده کرد. گاتمن از چهار سوار ویرانگر در تعامل زوجین نام می‌برد که از میان آن‌ها دو الگوی رفتاری مخرب «جبهه‌گیری» و «سکوت و کناره‌گیری» در اکثر زنان با صمیمیت عاطفی پایین قابل‌رؤیت است. به نظر می‌رسد زنان این گروه در برابر هیجانات منفی همسر مقابله‌به‌مثل کرده یا با سکوت و بی‌تفاوتی واکنش نشان می‌دهند که در نتیجهٔ آن محتملاً بسیاری از مسائل زوجی حل‌نشده باقی مانده و به کاهش کیفیت رابطه زوجی منجر می‌شود.

به‌طورکلی چنین استنباط می‌شود که بین پاسخ‌های رفتاری نسبت به ابراز هیجانات همسر در دو گروه زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین در چهار محور انعطاف‌پذیری، سازنده بودن، همراهی کردن و عاملیت تفاوت‌هایی وجود دارد. در مطالعاتی که جهت نشان دادن همخوانی‌ها و ناهمخوانی‌ها استفاده شد به رابطهٔ نحوهٔ پاسخگویی به ابراز هیجان و صمیمیت عاطفی پرداخته نشده است بلکه صرفاً به این جهت ذکر شدند که مؤلفه‌های دخیل در پایداری و کیفیت رابطهٔ زناشویی را بررسی کردند؛ لذا یافته‌های مطالعهٔ حاضر در نوع خود نوآورانه بوده و به‌صورت خاص الگوی پاسخ‌های رفتاری به ابراز هیجان همسر را روشن می‌سازند.

مطالعهٔ حاضر همچنین با محدودیت‌هایی مواجه بود. نظر به اینکه گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه انجام شد، ممکن است مصاحبه‌شوندگان در پاسخگویی خود سوگیری داشته و از بیان کلیهٔ حقایق موجود پیرامون پاسخ‌های رفتاری خود اجتناب ورزند. قابل ذکر است که با توجه به ماهیت پژوهش و اینکه یافته‌های ارائه‌شده صرفاً انعکاس تجربهٔ مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر است، نتایج قابل تعمیم نمی‌باشند. پیشنهاد می‌گردد مطالعات مشابهی در زمینه‌های فرهنگی مختلف انجام پذیرد تا بتوان الگوی یافته‌های حاصل را مورد مقایسه و مقابله قرار داد. همچنین به مشاوران و روان‌درمانگران توصیه می‌شود با به‌کارگیری یافته‌های موجود در جلسات درمانی و آموزشی، صمیمیت زوجی را تا حدودی ارتقا بخشیده و از ایجاد گسست عاطفی پیشگیری نمایند.

منابع

اخلاقی امیری، ص. (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی زوج‌درمانی گروهی مبتنی بر خود نظم‌بخشی در افزایش صمیمیت. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. رشتهٔ روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد.

اسماعیلی‌فر، ن.، جایروند، ح.، رسولی، م.، و حسنی، ج. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل زمینه‌ساز فرسودگی زناشویی. *پژوهش‌نامه زنان*، *۱۰*(۲۷)، ۲۵-۵۱. https://doi.org/10.30465/ws.2019.4029

افراسیابی، ح.، و دهقانی دارامرود، رقیه. (۱۳۹۵). زمینه‌ها و نحوهٔ مواجهه با طلاق عاطفی میان زنان شهر یزد. *زن در توسعه و سیاست*، *۱۴*(۲)، ۲۵۵-۲۷۱. https://doi.org/10.22059/jwdp.2016.59203

پژوهش، ش. (۱۳۹۹). مقایسهٔ ابرازگری هیجانی و پذیرش متقابل هیجانات بر مبنای میزان صمیمیت زوجین. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. رشتهٔ مشاورهٔ خانواده، دانشکدهٔ روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

پیرساقی، ف.، زهراکار، ک.، کیامنش، ع.، محسن زاده، ف.، و حسنی، جعفر. (۱۳۹۶). شاخص‌های ارتباط زناشویی کارآمد: یک مطالعهٔ کیفی. *مشاوره کاربردی*، *۷*(۱): ۱-۲۶. https://doi.org/10.22055/jac.2017.22007.1464

درخش، ع.، اصلانی، خ.، و کرایی، ا. (۱۳۹۸). تدوین الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی. *پژوهش‌نامه زنان*، *۱۰*(۲۷)، ۷۳-۹۷. https://doi.org/10.30465/ws.2019.4030

دهدست، ک.، و قبادی، ش. (۱۳۹۹). تبیین شاخص‌های گسست در خانواده ایرانی متأثر از فرایند نوسازی: یک فراتحلیل کیفی. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، *۱۱*(۴۳)، ۱۲۱-۱۵۸. https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.47218.2230

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.3.7]

رضاپور میرصالح، ی.، ریحانی‌کیوی، ش.، خباز، م.، و ابوترابی‌کاشانی، پ. (۱۳۸۹). مقایسهٔ رابطهٔ بین مؤلفه‌های ابرازگری هیجانی و خودپنداره در دانشجویان دختر و پسر. *روان‌شناسی کاربردی*، ۴(۲)، ۴۰-۵۱. https://dorl.net/dor/20.1001.1.20084331.1389.4.2.5.5

شهرویی، ش.، کاظمیان مقدم، ک.، خلفی، ع.، و مهرابی زاده هنرمند، م. (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در رابطهٔ اسنادهای ارتباطی، خودکارآمدی جنسی و تعهد زناشویی با سازگاری زوجی. *مشاوره کاربردی*، ۱۰(۲)، ۱۲۳-۱۴۳. https://doi.org/10.22055/JAC.2021.36124.1777

طاهری‌بنچناری، ر.، آقاجانی‌مرساء، ح.، و کلدی، ع. (۱۳۹۷). واکاوی پدیده طلاق، ریشه‌ها و پیامدها در شهر تهران ۱۳۹۵. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۹(۲)، ۱۳۹-۱۶۴. https://doi.org/10.22059/ijsp.2018.68623

ظهره‌وند، ر. (۱۳۸۳). رابطه ادراک از نقش‌های جنسیتی و رضایت از جنس. *مجله زنان در توسعه و سیاست*، ۲(۲)، ۱۱۷-۱۲۵.

گاتمن، ج. (۲۰۱۵). *علم عشق*. ترجمهٔ هاشم پوریامهر (۱۳۹۶)، تهران: دانژه.

ملایی، ر.، اسمعیلی، م.، و ملایی، م.ح. (۱۳۹۷). مطالعه کیفی نقش زبان در روابط زوج‌های متعارض، رویکردی مبتنی بر نظریه داده بنیاد. *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۳(۴۴)، ۲۷-۶۵.

مهدی نژاد قوشچی، ر.، و اسدپور، اسماعیل. (۱۳۹۷). شناسایی شاخص‌های گفتگوی مؤثر زوجین: مطالعه‌ای پدیدار شناختی. *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۳(۴۴)، ۶۷-۸۸. https://dorl.net/dor/20.1001.1.26454955.1397.13.44.3.6

نعمتی‌سوگلی‌تپه، ف.، صالحی، ک.، رحیمی، ف.ا.، و خالدیان، م. (۱۳۹۹). مؤلفه‌های کیفیت زندگی زناشویی: یک مطالعهٔ فراترکیب. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱۰(۱)، ۴۵-۶۸. https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516654.1399.10.1.3.4

یگانه‌فرد، ل.، وزیری، س.، و افشانی، ع. (۱۴۰۱). واکاوی عوامل مرتبط با صمیمیت و رضایتمندی زناشویی در بین زوجین ناسازگار. *مشاوره کاربردی*، ۱۲(۱)، ۶۳-۹۰. http://doi.org/10.22055/JAC.2022.39322.1848

یوسفی افراشته، م.، و حیاتی، م. (۱۴۰۰). شناسایی مؤلفه‌های خوشبختی زوجی در خانواده‌های ایرانی: رویکرد نظریه زمینه‌ای. *نشریه علمی رویش روان‌شناسی*، ۱۰(۵)، ۸۷-۹۶. http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1400.10.5.12.0

Albarracin, D., Johnson, B. T., & Zanna, M. P. (Eds.). (2014). *The handbook of attitudes*. New York: Psychology Press.

Alonso-Ferres, M., Imami, L., & Slatcher, R. B. (2020). Untangling the effects of partner responsiveness on health and well-being: The role of perceived control. *Journal of Social and Personal Relationships*, *37*(4), 1150-1171. https://doi.org/10.1177/0265407519884726

Alonso-Ferres, M., Righetti, F., Valor-Segura, I., & Expósito, F. (2021). How power affects emotional communication during relationship conflicts: the role of perceived partner responsiveness. *Social Psychological and Personality Science*, *12*(7), 1203-1215. https://doi.org/10.1177/1948550621996496

Bagarozzi, D. A. (2014). *Enhancing intimacy in marriage: A clinician's guide*. New York: routledge. https://doi.org/10.4324/9781315787053

Balzarini, R. N., Muise, A., Zoppolat, G., Di Bartolomeo, A., Rodrigues, D. L., Alonso-Ferres, M., ... & Slatcher, R. B. (2020). Love in the time of COVID: Perceived partner responsiveness buffers people from lower relationship quality associated with COVID-related stressors. *Social psychological and personality science*. https://doi.org/10.1177/19485506221094437

Berkos, K. M., & Denham, J. (2017). Intimacy, marital satisfaction, and third party imagined interactions. *Imagination, Cognition and Personality*, 36(3), 312-330. https://doi.org/10.1177/0276236616683897

Birnbaum, G. E., Reis, H. T., Mizrahi, M., Kanat-Maymon, Y., Sass, O., & Granovski-Milner, C. (2016). Intimately connected: The importance of partner responsiveness for experiencing sexual desire. *Journal of Personality and Social Psychology*, *111*(4), 530-546. https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/pspi0000069

Cameron, L. D., & Overall, N. C. (2018). Suppression and expression as distinct emotion-regulation processes in daily interactions: Longitudinal and meta-analyses. *Emotion*, *18*(4), 465-480. https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/emo0000334

Cordova, J. V., & Scott, R. L. (2001). Intimacy: A behavioral interpretation. *The Behavior Analyst*, *24*(1), 75-86. https://doi.org/10.1007/BF03392020

Fischer, A. H., & Manstead, A. S. (2008). *Social functions of emotion. Handbook of emotions.* New York: Guilford.

Friedlmeier, W., Corapci, F., & Cole, P. M. (2011). Emotion socialization in cross-cultural perspective. *Social and personality psychology compass*, *5*(7), 410-427. https://doi.org/10.1111/j.1751-9004.2011.00362.x

Hariri, P., Etemadi, O., & Abedi, A. (2020). Investigation of factors affecting the marital intimacy of veteran couples: a qualitative study. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, *9*(3), 239-250. https://doi.org/10.22062/jqr.2020.91516

Hosseini, H. M., & Movahedi, A. (2016). Imago therapy: a strategy to improve couples lovemaking. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, *7*(4 S1), 242-248. http://dx.doi.org/10.5901/mjss.2016.v7n4s1p242

Jourard, S. M. (1964). *The transparent self: Self-disclosure and well-being.* Princeton, NJ: Van Nostrand.

Kardan-Souraki, M., Khani, S., Hamzehgardeshi, Z., & Mohammadpour, R. A. (2018). Socio-Demographic Factors Predicting Marital Intimacy in a Sample of Iranian Couples: A Cross-Sectional Study. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, *12*(3), e9023. http://dx.doi.org/10.5812/ijpbs.9023

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.3.7]

Karimi, R., Bakhtiyari, M., & Arani, A. M. (2019). Protective factors of marital stability in long-term marriage globally: a systematic review. *Epidemiology and health*, *41*. https://doi.org/10.4178/epih.e2019023

Kersten, K. K., & Himle, D. P. (1991). Marital intimacy: A model for clinical assessment and intervention. *Journal of Couples Therapy*, *1*(3-4), 103-121. https://doi.org/10.1300/J036v01n03_09

Kim, J. S., & Kang, S. (2021). Influence of Marital Intimacy and Health Promoting Lifestyle on Happiness among Middle-aged Adults. *NVEO-Natural Volatiles & Essential Oils Journal| NVEO*, 2494-2500. https://www.nveo.org/index.php/journal/article/view/801

Laurenceau, J. P., Barrett, L. F., & Rovine, M. J. (2005). The interpersonal process model of intimacy in marriage: A daily-diary and multilevel modeling approach. *Journal of family psychology*, *19*(2), 314-323. https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0893-3200.19.2.314

Lee, M., Kim, Y. S., & Lee, M. K. (2021). The Mediating Effect of Marital Intimacy on the Relationship between Spouse-Related Stress and Prenatal Depression in Pregnant Couples: An Actor–Partner Interdependent Model Test. *International journal of environmental research and public health*, *18*(2), 487. https://doi.org/10.3390/ijerph18020487

Lim, N. (2016). Cultural differences in emotion: differences in emotional arousal level between the East and the West. *Integrative medicine research*, *5*(2), 105-109. https://doi.org/10.1016/j.imr.2016.03.004

Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage Publications, Inc.

Locke, H. J., & Wallace, K. M. (1959). Short marital-adjustment and prediction tests: Their reliability and validity. *Marriage and family living*, *21*(3), 251-255. https://doi.org/10.2307/348022

Magsamen-Conrad, K., Venetis, M. K., Checton, M. G., & Greene, K. (2018). The role of response perceptions in couples' ongoing cancer-related disclosure. *Health communication*, *34*(9), 999-1009. https://doi.org/10.1080/10410236.2018.1452091

Marar, Z. (2012). *Intimacy: Understanding the subtle power of human connection*. London: Routledge.

Masters, R. A. (2013). *Emotional intimacy: A comprehensive guide for connecting with the power of your emotions.* Sounds True.

Meshkat, M., & Nejati, R. (2017). Does emotional intelligence depend on gender? A study on undergraduate English majors of three Iranian universities. *SAGE Open*, *7*(3), 2158244017725796. https://doi.org/10.1177/2158244017725796

Pan, W., Feng, B., & Skye Wingate, V. (2018). What you say is what you get: How self-disclosure in support seeking affects language use in support provision in online support forums. *Journal of Language and Social Psychology*, *37*(1), 3-27. https://doi.org/10.1177/0261927X17706983

Pasha, H., Basirat, Z., Esmailzadeh, S., Faramarzi, M., & Adibrad, H. (2017). Marital intimacy and predictive factors among infertile women in northern Iran. *Journal of clinical and diagnostic research: JCDR*, *11*(5), QC13. https://doi.org/10.7860%2FJCDR%2F2017%2F24972.9935

Reis, H. T., & Shaver, P. (1988). *Intimacy as an interpersonal process*. Handbook of personal relationships. Chichester: Wiley.

Royal, C. (2020). *Friend and Spouse: Does the Level of a Close-knit, Same Sex Friend Affect Marital Intimacy?*. Doctoral Dissertations and projects. The University of Liberty.

Ruan, Y., Reis, H. T., Clark, M. S., Hirsch, J. L., & Bink, B. D. (2020). Can I tell you how I feel? Perceived partner responsiveness encourages emotional expression. *Emotion*, 20(3), 329-342. https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/emo0000650

Rudman, L.A., & Glick, P. (2021). *The social psychology of gender: How power and intimacy shape gender relations.* New York: The Guilford Press.

Schaefer, M. T., & Olson, D. H. (1981). Assessing intimacy: The PAIR inventory. *Journal of marital and family therapy*, *7*(1), 47-60. https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.1981.tb01351.x

Walker, A. J., & Thompson, L. (1983). Intimacy and intergenerational aid and contact among mothers and daughters. *Journal of Marriage and the Family*, 45(4), 841-849. https://doi.org/10.2307/351796

Weisskirch, R. S. (2018). Psychosocial intimacy, relationships with parents, and well-being among emerging adults. *Journal of Child and Family Studies*, *27*(11), 3497-3505. https://doi.org/10.1007/s10826-018-1171-8

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.3.7]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1402.12.1.3.7]